

# زندگی حقیقی و زندگی آخرت است

## خطبه اول

الحمد لله الذي أحيا قلوب عباده المؤمنين بالإيمان وجعل لهم نهاية يؤجرون ويكرمون وينعمون في يوم القرار والصلاة والسلام علي خير من بشر الأخيار وأنذر الأشرار وعلي آله وصحبه ومن تبعهم بإحسان الي يوم القرار.

وبعد:

برادران مسلمان! الله متعال در كلام مجيدش می فرمايد: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنتُمْ مُسْلِمُونَ﴾ ﴿١٠٢﴾ آل عمران: ١٠٢

«ای مؤمنان! چنانکه حق ترسیدن است از الله بترسيد و نميريد مگر در حاليکه مسلمان باشيد». پس خودم وشما را به تقواي الهی وترس حقیقی از الله متعال سفارش می کنم.

برادران گرامي! ومومنان عاشق بهشت وزندگی آخرت! موضوع اين هفته ما در باره زندگی حقیقی است زندگی که پس اين زندگی دنیوی موقتي شروع می شود وهرگز پايان ندارد. آری اين جهان وتمام هست ونیست اين زندگی مادی فنا خواهد خواهد شد وانچه باقی می ماند ذات گرامي الله متعال وزندگی حقیقی آخرت است:

﴿كُلٌّ مِّنْ عَلَيْهَا فَإِنَّ (٢٦) وَيَبْقَىٰ وَجْهَ رَبِّكَ ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ (٢٧)﴾ (الرحمن: ٢٦ - ٢٧)

«هر چه بر روی آن (زمین) است و فانی شود. و (تنها) روی پروردگار ذو الجلال و گرامي توست که باقی می ماند».

الله متعال در باره بی ارزشی اين دنیا وزندگی ناپايدار آن بارها در كلام مجيدش هشدار داده وبه ارزش واهميت زندگی آخرت تأکيد نموده است:

﴿اعْلَمُوا أَنَّمَا الْحَيَوةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَلَهُوٌّ وَزِينَةٌ وَتَفَاخُرٌ بَيْنَكُمْ وَتَكَاثُرٌ فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ كَمَثَلِ غَيْثٍ أَعْجَبَ الْكُفَّارَ نَبَأُهُ ثُمَّ يَهْبِجُ فَتَرِبُهُ مُصْفَرًّا ثُمَّ يَكُونُ حُطَمًا وَفِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَمَغْفِرَةٌ مِّنَ اللَّهِ وَرِضْوَانٌ وَمَا الْحَيَوةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعٌ الْعُرُورِ (٢٠)﴾ (الحديد: ٢٠)

«بدانيد که زندگی دنیا تنها بازیچه وسرگرمی وتجمل و وفخر فروشی در میان شما وافزون طلبی در اموال وفرزاندان است و همانند بارانی که رويدنی اش کشاورزان را به شگفت آورد سپس خشک شود (به گونه ای که) آن را زرد رنگ بينی و سپس خرد (وبه کاه تبديل) شود ودر آخرت (برای کفار) عذاب سخت است و(برای مؤمنان) آمرزشی از جانب الله وخشنودی است و وزندگی دنیا چیزی جز متاع فرينده نیست».

پس زندگی دنیا فقط یک بهار زودگذری است که بزودی پاییز وزمستان تازگی وشادابی آنرا در هم خواهد پیچيد وفقط زندگی حقیقی آخرت باقی خواهد ماند آری توجه فرموديد که زندگی دنیا چیزی جز متاع فرينده نیست.

در جای دیگری معبود يگانه ويکتا در باره دنیا وبی ارزش آن می فرمايد:

﴿إِنَّمَا مَثَلُ الْحَيَوةِ الدُّنْيَا كَمَاءٍ أُنْزِلَتْهُ مِنَ السَّمَاءِ فَأَخْطَلَتْ بِهِ نَبَاتُ الْأَرْضِ مِمَّا يَأْكُلُ النَّاسُ وَالْأَنْعَامُ حَتَّىٰ

إِذَا أَخَذَتِ الْأَرْضُ زُخْرُفَهَا وَازَّيَّنَتْ وَظَرْبَ أَهْلِهَا أَنَّهُمْ قَدِرُوا عَلَيْهَا أَنَّهَا أَمْرُنَا لَيْلًا أَوْ نَهَارًا فَجَعَلْنَهَا حَصِيدًا كَأَن لَّمْ تَغْنَبْ بِالْأَمْسِ كَذَلِكَ نُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ ﴿٢٤﴾ (يونس: ٢٤)

«مثل زندگی دنیا و همانند آبی است که از آسمان نازل کردیم و سپس بر اثر آن گیاهان گوناگون زمین از آنچه مردم و چهارپایان می خورند؛ روید و تازمانی که زمین پیرایه خود بگرفت و و آراسته شد و و اهل آن گمان کردند که خود بر آن چیره اند و (نا گهان) فرمان ما در شب یا روزی فرارسد و و آنچنان آن (کشتزار) را درو کنیم که گوی دیروز هرگز (کشتزاری) نبوده است. این گونه آیات (خود) را برای گروهی که می اندیشند به تفصیل بیان می کنیم.»

این است آنچه که ما به آن دل بسته ایم تعبیر دیگری را ملاحظه فرمایید که الله یگانه و معبود حقیقی ما که خالق و مدبر این جهان و جهان آخرت است در باره این زندگی چه می فرماید:

﴿وَمَا هَذِهِ الْحَيَوةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَهُوٌّ وَلَعِبٌ وَإِنَّ الدَّارَ الْآخِرَةَ لَهِيَ الْحَيَوَانُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ﴾

(العنکبوت: ٦٤)

«و این زندگی دنیا (چیزی) جز سرگرمی و بازیچه نیست و وبی تردید اگر می دانستند سرای آخرت همان زندگی (واقعی) است.»

پس زندگی آخرت همان زندگی حقیقی است که من و شما برای آن آفریده شده ایم و در آن همیشه خواهیم ماند و خوشا به سعادت کسانی که از اهل بهشت و رستگاری دایم باشند که در آن صورت همواره در نعمت ابدی خواهند بود:

﴿فَأَمَّا إِنْ كَانَ مِنَ الْمُقَرَّبِينَ ﴿٨٨﴾ فَرَوْحٌ وَرَيْحَانٌ وَجَنَّتْ نَعِيمٌ ﴿٨٩﴾﴾ (الواقعة: ٨٨ - ٨٩)

«و اما اگر از اصحاب راست (سعادت مند) باشد پس (در) آسایش و ریحان و باغ (بهشت) پر نعمت است.»

و این نعمتهای بی پایان و ابدی و سرمدی بهشت جاویدان دلپذیر و پایان ناپذیر است که امیدواریم الله یگانه و یکتا من و شما را جزء آن بندگان پیروز سرفراز بگرداند:

﴿وَجَزَاهُمْ بِمَا صَبَرُوا جَنَّةً وَحَرِيرًا ﴿١٢﴾ مُتَّكِئِينَ فِيهَا عَلَى الْأَرَائِكِ لَا يَرَوْنَ فِيهَا شَمْسًا وَلَا زَمْهَرِيرًا ﴿١٣﴾ وَدَانِيَةً عَلَيْهِمْ ظِلُّهَا وَذُلَّتْ قُطُوفُهَا نَذِيلًا ﴿١٤﴾ وَيُطَافُ عَلَيْهِمْ ثَيَابًا مِّنْ فَضَّةٍ وَأَكْوَابٍ كَانَتْ قَوَارِيرًا ﴿١٥﴾ قَوَارِيرًا مِّنْ فِضَّةٍ قَدْرُهَا قَدْرُهَا فَتَقْدِرُ ﴿١٦﴾ وَيُسْقَوْنَ فِيهَا كَأْسًا كَانَ مِزَاجُهَا زَنْجَبِيلًا ﴿١٧﴾ عَيْنًا فِيهَا تُسَمَّى سَلْسَبِيلًا ﴿١٨﴾ وَيَطُوفُ عَلَيْهِمْ وِلْدَانٌ مُّخَلَّدُونَ إِذَا رَأَيْتَهُمْ حَسِبْتَهُمْ لُؤْلُؤًا مَّنشُورًا ﴿١٩﴾ وَإِذَا رَأَيْتَ ثَمًّا رَأَيْتَ نَعِيمًا وَمُلْكًا كَبِيرًا ﴿٢٠﴾ عَلَيْهِمْ ثِيَابٌ سُدُسٌ خُضْرٌ وَإِسْتَبْرَقٌ وَحُلُّوا أَسَاوِرَ مِّنْ فِضَّةٍ وَسَقَاهُمْ رَبُّهُمْ شَرَابًا طَهُورًا ﴿٢١﴾ إِنَّ هَذَا كَانَ لَكُم جَزَاءً وَكَانَ سَعْيُكُم مَّشْكُورًا ﴿٢٢﴾﴾ (الإنسان: ١٢ - ٢٢)

«بهشت و ابریشم را به پاداش این که بر اطاعت الله و در برابر گزندها و مصیبت ها شکیبایی ورزیدند پاداششان دهد در بهشت بر پستی ها تکیه می زنند. در آن جا نه خورشیدی می بینند تا از گرمای آن آزوده شوند و نه سرمایی تا از سردی اش به ستوه آیند سایه هایش نزدیک و بر آنها گسترده است و میوه هایش در اختیار آنان نهاده شده است و به گونه ای که هر نوع میوه ای بخواهند و بی هیچ رنجی از درخت می چینند جام هایی سیمین و تنگ هایی بلورین بر آنان می گردانند بلورهایی

شفاف و روشن که گویی از نقره ساخته اند. خدمتکاران و آنها را در اندازه هایی مطابق میل آنان آورده و به قدر خواسته ایشان در آنها نوشیدنی دلخواه آنان ریخته اند. در آن جا باده ای به آنان می نوشاند که آمیزه اش زنجبیل است. از چشمه ای در بهشت که آن را «سلسبیل» می نامند. و برای خدمت به آنان پسرانی همواره شاداب و نوجوان بر گردش در گردش اند. آن پسران چنان نورانی و با طراوت اند که چون آنان را بنگری می پنداری مرواریدی پراکنده اند و چون در آن جا به نظاره بنشینی و نعمتی بی حد و سلطنتی بزرگ می بینی بر اندام بهشتیان جامه هایی سبز رنگ از حریر نازک و دیبای سِتبر است و به دستواره هایی از نقره آراسته شده اند و پروردگارشان به آنان شرابی می نوشاند که هر پلیدی را از آنان می زداید. به آنان گفته می شود: این برای شما جزایی است بزرگ و وسعتیان مورد سپاس قرار گرفته است».

بله عزیزان! این است آن زندگی حقیقی و سرای دایمی که من و شما همیشه در آن خواهیم ماند و این است آن نعمتهایی که باید ما برای حصول و رسیدن به آن باید با هم رقابت داشته باشیم بیشترین وقت و تلاش خود را در راه رسیدن به آن صرف نماییم.

اما این انسان غافل چقدر از هدف دور است یعنی خود من و شما چقدر در غفلت زندگی می کنیم و چقدر به این جهان فانی و زیب و زینت آن دل بسته ایم و خود را می فرییم و عمر ارزشمند خود را بیهوده هدر می دهیم. و ناگهان فرصت تمام می شود و به سوی آخرت و زندگی حقیقی سوق داده می شویم.

ابوهریره - رضی الله عنه - می فرماید: شنیدم که رسول الله ﷺ می فرمودند: «لَا يَزَالُ قَلْبُ الْكَبِيرِ شَبَابًا فِي اثْنَتَيْنِ: فِي حُبِّ الدُّنْيَا وَطُولِ الْأَمَلِ». (بخاری: ۶۴۲۰)

«دل انسانهای کهنسال در دو چیز و همچنان جوان می ماند: دوستی دنیا و آرزوی طولانی».

و علی رضی الله عنه می فرماید: «ارحلت الدنيا مدبرة و ارحلت الآخرة مقبلة ولكل واحدة منهما بنون و فكونوا من أبناء الآخرة و لا تكونوا من أبناء الدنيا و فإن اليوم عمل و لا حساب و غدا حساب و لا عمل».

«دنیا در حال دور شدن و آخرت در حال نزیک شدن است و هر کدام از این دو فرزندان دارند! پس شما از فرزندان آخرت باشید و نه دنیا؛ زیرا که امروز عمل است و حسابی نیست و فردا حساب است و عملی نخواهد بود».

بارك الله لي ولكم في القرآن العظيم و نفعني وإياكم بما فيه من الآيات والذكر الحكيم و نفعنا بهدي سید المرسلين و قوله القويم أقول قولي هذا و أستغفر الله لي ولكم و لسنائر المسلمين و الحمد لله رب العالمين.

## خطبه دوم

الحمد لله حمدا كثيرا طيبا مباركا فيه و كما يحب ربنا ويرضى و وأنشهد أن لا إله إلا الله وحده لا شريك له و وأنشهد أن محمدا عبده ورسوله و وعلى آله وصحبه و من تبعهم بإحسان إلى يوم الدين. برادران مسلمان!

رسول گرامی ما صلی الله علیه و آله وسلم می فرماید:

(إذا مات ابن آدم انقطع عمله إلا من ثلاث: صدقة جارية: أو علم نافع ينتفع به: أو ولد صالح يدعو له) به روایت مسلم

«هر گاه انسان بمیرد عملش منقطع می شود مگر از سه چیز: صدقه جاریه یا علمی که از آن استفاده شود و یا فرزند نیکی که برایش دعا کند».

پس زندگی دنیا ارزشی ندارد که انسان همه چیز خود را صرف آن کند انسان عاقل کسی است که از وقت و امکاناتی که در اختیار دارد برای آباد کردن آخرت استفاده کند و بداند که زندگی حقیقی زندگی آخرت است.

سروران گرامی! آیا می دانید که ایمان به روز آخرت چه ثمرات ارزشمندی دارد به این نکات بسیار مهم توجه داشته باشید:

۱- شوق و رغبت به انجام طاعات و حرص بر آن به خاطر پاداش و ثوابی که در پی دارد.

۲- ترس از گناه و پلید شدن به آن و از ترس عذاب آنروز.

۳- تسلی و اطمینان مؤمن از آنچه از دست می دهد به خاطر امیدواری که به ثواب بهشت و نعمتهای آن دارد.

۴- ایمان به روز رستاخیز اساس سعادت فرد و جامعه است و زیرا وقتی انسان ایمان داشته باشد که الله متعال مخلوقات را پس از مردنشان زنده می کند و از هر خوب و بد آنان حساب می گیرد و انتقام مظلوم را از ظالم می گیرد حتی از حیوان و حتماً براه می آید و به طاعت الله مشغول می شود بنابر این ریشه شر و فساد از بین می رود و خیر و نیکی بر جامعه حاکم می گردد و فضیلت و اطمینان و آرامش همه جا را فرا می گیرد.

پس با توجه نکات فوق ارزش ایمان به روز آخرت بسیار حیاتی است و به همین دلیل بخش عمده ای از قرآن کریم به این امر اختصاص یافته است.

و اما برای اینکه حقیقت بی ارزشی این دنیا و ارزش و اهمیت آخرت و سرای جاویدان بهشت برین را بدانیم خلاصه ای از یک حدیث مفصل از صحیح بخاری را که صحابی جلیل القدر و شاگرد منحصر به فرد رسول مکرم صلی الله علیه و آله وسلم یعنی حضرت ابوهریره دوسی رضی الله عنه روایت کرده را در اینجا می آوریم که رسول بزرگوارمان صلی الله علیه و آله وسلم در توصیف یک صحنه از روز حشر می فرمایند:

پس از آن و الله متعال از قضاوت بین بندگان در حالی فارغ می شود که فقط یکی از بندگان بین بهشت و دوزخ بلا تکلیف مانده است. و او آخرین فرد دوزخی است که وارد بهشت می شود. او که چهره اش به سوی دوزخ است و می گوید: پروردگارا! چهره ام را از دوزخ برگردان. زیرا وزش هوای آتشین آن و حال را به هم می زند و شعله های آتشینش و مرا می سوزاند. الله متعال می فرماید: اگر این خواسته ات را بر آورده سازم و چیز دیگری نمی خواهی؟ می گوید: سوگند به عزت و که نمی خواهم. و چندین عهد و پیمان دیگر می بندد. الله متعال چهره اش را از جانب دوزخ برمی گرداند. وقتی چهره اش به سوی بهشت می شود و شادابی آنرا می بیند و ابتدا اندکی سکوت می کند سپس می گوید: يَا رَبِّ قَدْ مَنِي عِنْدَ بَابِ الْجَنَّةِ پروردگارا! مرا نزدیک دروازه

بهشت ببر.

الله متعال به او می گوید: مگر تو آن همه عهد و پیمان نبستی که چیز دیگری نخواهی؟! می گوید: پروردگارا مرا شقی ترین بنده ات مگردان. الله متعال می فرماید: اگر این خواسته ات را نیز برآورده سازم و چیز دیگری نمی خواهی؟ می گوید: لا وَعِزَّتِكَ لَا أَسْأَلُ غَيْرَ ذَلِكَ و سوگند به عزت که چیز دیگری نمی خواهم.

الله او را نزدیک دروازه بهشت می برد. وقتی چشمش به زیباییها و شادابیهای بهشت می افتد و لحظه ای سکوت می کند. سپس می گوید: يَا رَبِّ أَدْخِلْنِي الْجَنَّةَ و فَيَقُولُ اللهُ: بارالها! مرا وارد بهشت گردان.

الله متعال می فرماید: وَيَحْكُ يَا ابْنَ آدَمَ مَا أَغْدَرَكَ و وای بر تو ای فرزند آدم! چقدر عهد شکن هستی! مگر تو با من و آن همه عهد و پیمان نبستی که چیز دیگری نخواهی.

می گوید: پروردگارا! مرا شقی ترین بنده ات مگردان. الله متعال به این رفتار بنده اش می خندد. سپس به او اجازه ورود به بهشت می دهد و می فرماید: اکنون هر چه آرزو داری و بخواه. پس او آنقدر می طلبد که آرزوهایش به پایان می رسد. الله عزوجل به یادش می اندازد که چنین و چنان بخواه. تا اینکه این آرزوها نیز به پایان می رسد. حق تعالی می فرماید: دو برابر آنچه که خواستی به تو عنایت فرمودم». و در روایت ابوسعید خدری رضی الله عنه آمده که من خودم شنیدم که آنحضرت ﷺ فرمود: «قَالَ اللهُ لَكَ ذَلِكَ وَعَشْرَةُ أَمْثَالِهِ» الله متعال فرمود: آن و ده برابر مثل آن برای تو باد. (صحیح بخاری: ۸۰۶)

﴿إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا﴾ (۵۶)

(الأحزاب: ۵۶)

«اللهم صل على محمد وعلى آل محمد كما صليت على إبراهيم وعلى آل إبراهيم إنك حميد

مجيد .....

ربنا آتنا في الدنيا حسنة وفي الآخرة حسنة وقنا عذاب النار. عباد الله! إن الله يأمر بالعدل والإحسان وإيتاء ذي القربى و وينهى عن الفحشاء والمنكر والبغى و يعظكم لعلكم تذكرون.